

# نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴

## عنوان: ارتباط هوش معنوی و فیزیک مدرن

سخنرانان و اعضای پنل: آقای دکتر سهیل سهیلی

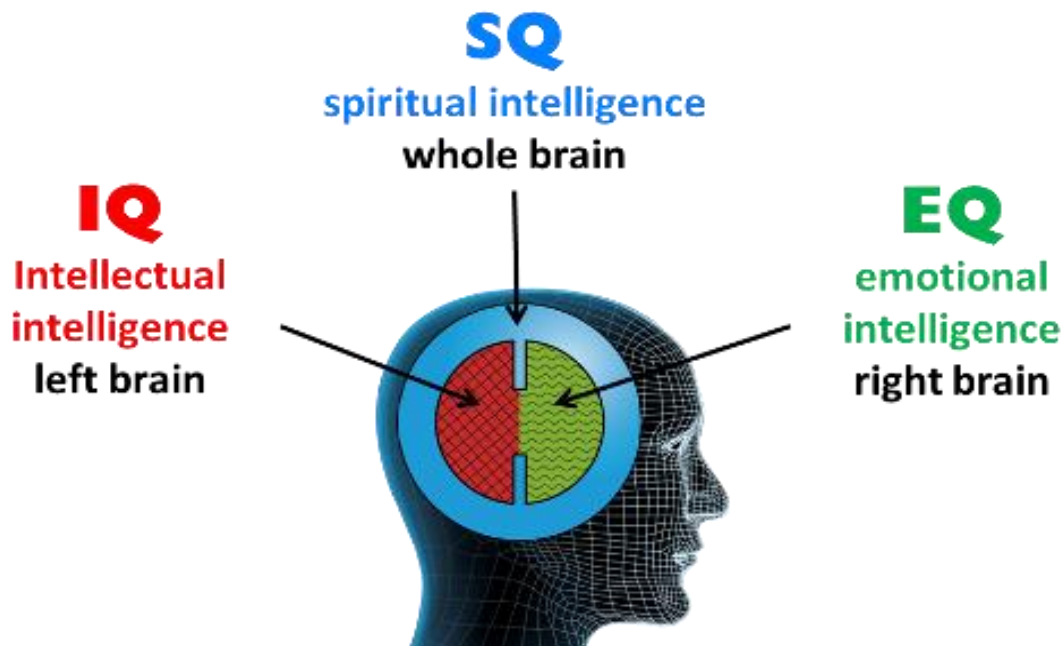
چکیده‌ای از سخنرانی‌ها به شرح زیر می‌باشد.

سخنران اول آقای سهیل سهیلی، وی صحبت های خود را اینگونه آغاز کرد: آیا برای تغییر آماده هستید؟ یا اینکه الگوهای فکر و احساسی خود را کنار نمی گذارید. مارک تووان میگوید: « دو روز خیلی مهم در زندگی ما وجود دارد، اول روزی که به دنیا می آییم دوم روزی که بدانیم برای چه به دنیا آمده ایم.» در واقع همان پیدا کردن رسالت شخصی ما است. هر انسانی در ذات خودش پتانسیل این را دارد که خودش را پیدا کند. آیا حاضر است در این مسیر قدم بردارد و بهای آن را پرداخت کند. تغییر از چه چیزی به چه چیز دیگری؟ تغییر از مسیری که ما را به آنچه که هستیم رسانده و حرکت به سمتی که از درون خود احساس میکنیم.

هوش معنوی، واقعیت و ساختار جهان از نگاه فیزیک مدرن و فیزیک کوانتوم چیست؟ اولین مطلبی که درباره هوش مطرح شد هوش شناختی بود. IQ قدرت یادگیری و تشخیص مغز می باشد. فرض میکنیم که IQ را به نیمکره سمت چپ مغز نسبت میدهیم. EQ هوش احساسی، مهارت ردیابی و تشخیص و مدیریت مکانیزم های درون ذهن و فضای ناخودآگاه می باشد. و آن را به نیمکره سمت راست مغز نسبت میدهند.

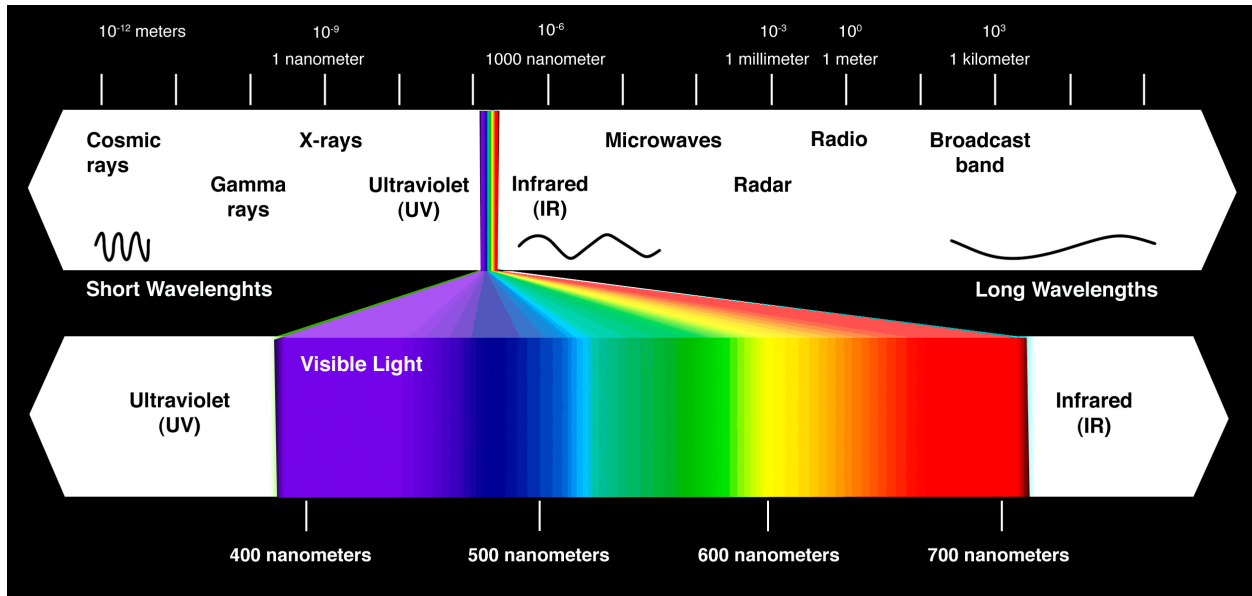
آن چیزی که بعنوان SQ شناخته شده است هماهنگی بین این دو نیمکره مغز می باشد. اطلاعاتی که مغز دریافت می کند بطور یکسان وارد دو نیمکره میشوند. ولی خروجی متفاوتی می دهند. مجموع این دو هر چه هماهنگ تر باشد درک ما از موضوع بهتر می شود. در تعادل بودن این دو را بعنوان SQ یا هوش معنوی یاد می کنیم.

SQ: مهارت ردیابی و تشخیص مکانیزم های حاکم بر جهان هستی و مدیریت ارتباط بین ذهن و جهان هستی.



DMT هورمونی است که در شرایط خاص در مغز تولید می شود. در افرادی که تجربه نزدیک به مرگ داشته اند این هورمون تولید می شود. در بعضی افراد این هورمون زیاد تولید می شود و تجربه مرگ برای آنها تکرار می شود.

واقعیت چیست؟ حواس پنجگانه اطلاعاتی را وارد مغز می کنند. مغز این اطلاعات را پردازش میکند و در نهایت یک تصویر رندر شده به ما می دهد که به آن واقعیت می گوییم. اگر واقعیت را صد فرض کنیم فقط پانزده درصد آن توسط حواس پنج گانه گزارش می شود. هشتاد و پنج درصد دیگر را خود مغز تولید می کند. چشم فقط یک سنسور است که اطلاعات را وارد مغز می کند. آن چیزی که ما میبینیم یک طیف بسیار باریک از طیف گسترده امواج الکترومغناطیسی است. پس ما درک خیلی محدودی از اطرافمان داریم.



مغز ما حدود صد میلیون سلول مغزی دارد که نرون نام دارند. پردازش از طریق ورود و خروج اطلاعات به نرون ها انجام می شود. شبکه بندی نرون ها مشخص میکند که ما در مورد چه چیزی اطلاعات داریم و در مورد چه چیزی اطلاعات نداریم. هرچه مهارت ما در مورد موضوعی بیشتر باشد ارتباط بین نرون ها قوی تر می شود.



فیزیک مدرن به عنوان علمی که قصدش شناخت جهان و واقعیات و ارتباط بین اینها است چه چیزی در مورد جهان امروز می گوید. بشر در شناخت جهان مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. فیزیک در دوره رنسانس می گفت آن چیزی را که نمی توانیم ببینیم وجود ندارد. فیزیک کوانتوم امروز ثابت کرده که چیزی جز ماده وجود ندارد. در جهان انرژی وجود دارد با فرکانس های مختلف. آلبرت انیشتین: «خودتان را با فرکانسی که می خواهید تطبیق دهید و دیگر چاره ای ندارید جز اینکه آن را تجربه کنید.» نیکولا تسلا: «اگر می خواهید جهان هستی را درک کنید باید به مفاهیم انرژی، فرکانس و ارتعاش فکر کنید. پایه جهان هستی اینها هستند. کل سیستم بیولوژیکی بدن ما، مغز و زمین بر مبنای فرکانس های مشترکی کار می کنند.»

وقتی یک سلول زنده تحریک شود امواج الکترومغناطیسی از خود تولید می کند. فرکانس این امواج بستگی به نوع تحریک دارد. ارتعاش زیر ۲۰۰ را نیرو و بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ را قدرت نام نهاده اند. مفاهیمی مثل شرم، احساس گناه، ترس، خشم، غرور و ... فرکانسی زیر ۲۰۰ دارند. مفاهیمی مثل اعتماد، خوش بینی، بخشش، درک، عشق، لذت و ... تا فرکانس ۱۰۰۰ می رسند. از فرکانس ۷۰۰ به بالا را به عنوان روشنایی رسیدن طبقه بندی می کنند. این فرکانس ها در افراد به شکل برآیند ظاهر می شوند. دانشمندان کل جهان هستی را برآیند کردند و متوجه شدند که در دو دهه اخیر کل جهان هستی در مرحله نیرو بوده ولی الان در حال رسیدن به مرحله قدرت می باشد، یعنی جامعه بشری در حال رشد است.